**باسمه تعالي**

خارج اصول: تاريخ 7/8/1392

# تفصیل در حجیّت ظهور به اعتبار حالات:

# اعتبار اصالة الظهور قبل از فحص یا بعد از آن

بحث ما در اينست كه آيا اصالة الظهور قبل از فحص معتبر است يا نه؟ البته اين بحث به يك معنا مي‌تواند تفصيلي در حجيت ظهور تلقي بشود، به اعتبار حالات قبل از فحص و بعد از فحص و نه تفصيل به حسب موارد.

بحث اينكه آيا شرط عمل به ظهور، فحص است به يك معنا مي‌تواند جزء تفصيلات در مسئله حجيت ظهور قرار بگيرد و در رديف بحثهاي ما باشد كه تفصيلهاي در باب ظهور را بررسی مي‌كرديم. ولي خب شايد اين را به عنوان شرط حجيت ظهور بگيريم، بهتر باشد. ولي حالا چون بحثِ حجيت ظواهر كتاب، مفصّل‌ است و نمي‌رسيم وارد آن شويم، اين بود كه اين بحث را مقدّم كردم.

# سابقه بحث

اين بحث را آقايان اينجا بخصوص مطرح نكرده اند و در ذيل بحث عامّ و خاصّ آورده اند، كه آيا فحص از مخصّص لازم است يا نه ؟

مرحوم آخوند در كفايه اين بحث را مطرح كرده[[1]](#footnote-1) و محورهاي پنج‌گانه‌اي را در موردش دنبال كرده است. يكي از محورهاي سه گانه اش اينست كه دليل بر لزوم فحص چيست[[2]](#footnote-2)؟ و يكي اينكه مقدار فحص لازم چقدر است[[3]](#footnote-3)؟ و آیا فحص در اصول لفظيه با فحص در اصول عمليه، فرق دارد يا نه[[4]](#footnote-4) ؟ ما اين بحث را مفصّل در بحث عام و خاص طرح كرديم؛ در اين كتابي هم كه خدمت دوستان دادم، در بحثهاي ما از جلسه 76 تا 83 نوشته شده است. در واقع هشت جلسه ما در اين مورد مفصل بحث كرديم و نمي‌خواهم وارد همه نكات آن بحث شوم.

# موضوعات مورد بحث در مانحن فیه

فقط مي‌خواهم بگويم كه آيا ادله‌اي كه بر لزوم فحص از مخصص ذكر شده، اقتضاء مي‌كند كه ما در ظواهر هم لازم باشد، از دليلي كه دالّ بر اراده مخالف ظاهر از ظاهر است، فحص كنيم؟ به تعبير ديگر آيا بحث لزوم فحص فقط مربوط به عام يا مطلق است یا نه ؟ سپس نكاتي را در مورد مقدار فحص و فرق بين فحص در اينجا و فحص در اصول عمليه به اجمال اشاره ‌خواهم كرد. همه ادله و وجوهي كه در مورد فحص و مخصص است را طرح نمي‌كنم. و فقط بعضي از مهمترین هایش را طرح مي‌كنم. مي‌خواهم بگويم كه آيا همه آن وجوه بر فرض تماميتش در اينجا مي‌آيد يا نه ؟ اجمالاً عرض می كنم و اشاره‌اي به بحثهاي مربوط به عام و خاص می كنم.

# وجوه بحث لزوم فحص از مخصّص

وجوهي كه در بحث لزوم فحص از مخصص هست، نكات زيادي دارد و ما بعضي از وجوهش را آنجا بحث كرديم. يكجا ديدم نوشته بود 12 وجه در اين مورد هست.

## اهمّ وجوه

## وجه اوّل: طریقیّت عام موقوف بر فحص است

 اهم اين وجوه يكي اينست كه اصلاً طريقيت عام قبل از فحص وجود ندارد. و عام طريقيتش متوقف بر فحص است. اصلاً كاشفيت عام قبل از فحص وجود ندارد. اين را قبلاً توضيح داديم كه حداقل در بيانات شارع بنا بر اين نبوده كه همه مخصّصات و مقيّدات همراه عام ذكر شود و ذكر مخصص و مقيّد قبل از وقت عمل به شكل منفصل بر خلاف دأب شارع بوده است. و بيان عام به علاوه ی عدم صدور مخصّص يا مقيّد قبل از وقت عمل، طريقيت دارد. اين يك بيان است.

# نقد وجه مذکور

به نظر مي‌رسد كه اين بيان، تطبيقش بر بحث مطلق ظهورات مشكل باشد. به اين معني كه بايد شخصي كه مدعي است كه قبل از فحص از «دليلي كه از آن، مخالفت با ظهور استفاده مي‌شود»، ظهور طريقيت و كاشفيت ندارد، بايد اين را اثبات كند كه دأب شارع اينست كه زیاد مخالفت ظاهر اراده كند و امثال اينها.

 در مورد عام و خاص مي‌‌گويند: «ما من عام إلا و قد خص، ما من مطلق إلا و قد قيّد» يك چنين بياناتي هست و خارجاً هم كأنه دأب شارع اينست كه بسياري از مقيّدات را بعد ذكر مي‌كند و بناي بر تدرّج در بيان احكام اقتضاء مي‌كند كه همه مقيّدات و مخصّصات را تدريجا همراه عام ذكر كند، اين طور نكات سبب مي‌شده كه نفس مطلق به تنهايي قرينيّت نداشته باشد و مطلق به علاوه ی عدم صدور مقيّد يا مخصّص قبل از وقت عمل، طريقيت داشته باشد و تا ما فحص نكنيم، مطلب را نمي‌توانيم احراز كنيم. ولي این نکته در غير عام و خاص و در مطلق ظهورات روشن نيست. خب اگر كسي مدعي اين مطلب باشد، خب «عهدتها علي مدعيها».

## وجه دوم: معرضيت تخصيص

 آقایان مي‌گويند: بناي عقلاء در اصالة العموم در جايي كه عام معرضيّت براي تخصيص داشته باشد، جاري نيست كه ما مي‌گفتيم: این وجه در واقع بازگشت به همان وجه اولي مي‌كند كه ما ذكر مي‌كرديم.

البته وجه اول را مرحوم آخوند ندارند. وجه اول را خود ما ذكر ‌كرديم. ولي مرحوم آخوند تعبير مي‌كنند كه در عموماتي كه در معرض تخصيص هستند، اصالة العموم و اصالة الاطلاق جاري نمي‌شود[[5]](#footnote-5). تمامیّت اين وجه در بحث اصالة الظهور روشن نيست؛ چون مراد از معرضيت اينست كه تخصيص، شيوع دارد و مجرد احتمال بعيدي كه وجود داشته باشد، مانع معرضيت نمي‌شود. عرض كردم که این بیان به همان بيان اول برمي‌گردد و در بحث اصالة الظهور تطبيق داده نمي‌شود.

پرسش: اشكال این بحث، در ظهورات چيست؟ آیا ظهورات در معرض تخصیص نیستند؟

پاسخ: نه در معرض تخصيص بودن اينقدر زياد نيست که بحث معرضيت تخصيص را مطرح کنیم. اينكه ظاهرها در معرض اين باشند که از ظاهر به قرينه منفصل معناي ديگري اراده شده باشد و اين قدر زياد باشد كه عقلاء ديگر ظهور را كاشف ندانند، نه اين قدر نيست. به هر حال فرق هست بين عام و خاص وظهورات. در عام و خاص ، مقدار تخصيصات و تقييدات زياد است به مقداري است كه نكته عقلائي كاشفيت عموم و اطلاق از بين مي‌رود. اما اينكه مثلاً از يك ظاهري كه ظاهر است، خلاف ظاهر اراده بشود. نه اين گونه نيست. اگر کسی بگويد: در ظهورات هم زياد است، «عهدتها علي مدعيها». خيلي اين دوتا را نمي‌شود با هم مقايسه كرد . ولي به هر حال مجرد اينكه ما در باب عموم و اطلاق معرضيت تخصيص و معرضيت تقييد را مانع حجيت اصالة العموم و اصالة الاطلاق دانستيم، لازمه‌اش اين نيست كه اين بيان را در ما نحن فيه هم بتوانيم پياده كنيم، به نظرمپیاده کردن آن در این بحث قدری مشكل است. حالا اگر كسي هم مدعي ‌شود، که این در بحث ما هم جریان دارد، بايد فحص در موارد شود و اين بحث را دنبال كرد، تا ببینیم نتیجه چه می شود؟ در خيلي‌ موارد از همان اول ظهور در وجوب ندارند. اينكه از اول ظهور در وجوب داشته باشد و بعد قرينه منفصله بيايد، خيلي زياد نيست. در بعضي موارد هست كه از اول با توجه به اينكه اگر مثلاً فلان چيز واجب بود بايد با بيان واضح‌تر و روشن‌تري بيان مي‌شد، «لو کان لبان»، باعث مي‌شود كه مثلاً مجرد امر، ظهور در وجوب پيدا نكند. اين طور نيست كه نفس امر همه جا ظهور در وجوب داشته باشد اين هم دو وجه.

پرسش: يعني آیا سنخ ظهور عام و مطلق فرق مي‌كند با سنخ ظهورات ديگر؟

 پاسخ: سنخ ظهورش فرق نمي‌كند، ميزان مخصصاتش فرق مي‌كند .چون تعداد مخصصات و مقيدات خیلی زیاد است. دأب شارع اينست. عقلائي‌اش هم همين طور است. شما فرض كنيد قوانيني كه در مجلس تصويب مي‌شود، تبصره‌‌هايش را ممكن است بعد ذكر كنند. ولي اينكه يك قانون ذكر كنند و بعداً بگويند مراد ما از آن قانون اين معني نبود، بعید است. اصطلاحاً ذكر تبصره بعد، خيلي شايع است ولي ذكر اينكه اصلاً مراد ما فلان كلمه را كه گفتيم مثلاً عالم، مرادمان مطلق عالم نيست و فرض كنيد يك قسم خاصي از عالم را مثلاً اراده كرده بوديم، بعيد است. به هر حال اينكه مخالف ظاهر اراده كرده باشند به قرينه منفصل و مخالفت ظاهر را بيان كرده باشند، خيلي كمتر است. هم عقلائي‌اش كمتر است و هم در دايره شرع كمتر است. اين است كه اين دوتا را نمي‌شود با همديگر مقايسه كرد.

##  وجه سوم: وجود علم اجمالي به این كه در ظواهر، مخالف ظاهر اراده شده است.

در علم اجمالي در ما نحن فيه هم بايد اين مطلب ثابت بشود كه علم اجمالي نسبت به مخالفت ظاهر در ظواهري است كه مربوط به احكام است و اثر عملي دارد. در ظواهري كه حجت است، خيلي مخالفت ظاهر زياد است و علم اجمالي‌اش هم به نحو شبهه غير محصوره نيست.

 اشکال: اگر مثلاً شخصي بگويد كه آنجا علم اجمالي به تخصيص يا تقييد عام نسبت به احكام دينيه داريم ولي اینجا متفاوت است.

پاسخ در جلسه آینده.

«و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين»

1. . كفاية الأصول ( طبع آل البيت )، ص: 226: فصل هل يجوز العمل بالعام قبل الفحص عن المخصص‏ [↑](#footnote-ref-1)
2. . كفاية الأصول ( طبع آل البيت )، ص: 226: و ذلك لأجل أنه لو لا القطع باستقرار سيرة العقلاء على عدم العمل به قبله فلا أقل من الشك‏ [↑](#footnote-ref-2)
3. . كفاية الأصول ( طبع آل البيت )، ص: 228: قد ظهر لك بذلك أن مقدار الفحص اللازم ما به يخرج عن المعرضية... [↑](#footnote-ref-3)
4. . كفاية الأصول ( طبع آل البيت )، ص: 228: لا يذهب عليك الفرق بين الفحص هاهنا و بينه في الأصول العملية... [↑](#footnote-ref-4)
5. . كفاية الأصول ( طبع آل البيت )، ص: 226: فالتحقيق عدم جواز التمسك به قبل الفحص فيما إذا كان في معرض التخصيص كما هو الحال في عمومات الكتاب و السنة... [↑](#footnote-ref-5)